

طراحی چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها

علی اصغر سعدآبادی¹

سعید رضائی²

تورج کریمی³

آصف کریمی⁴

چکیده

هدف: با توجه به نقش بالای دانشگاهها و نوآوری اجتماعی در توسعه پایدار، هدف در پژوهش حاضر، ارائه چارچوبی برای ارزیابی نوآوری اجتماعی دانشگاهها بود. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی است و با استفاده از روش فراترکیب به بررسی نظاممند مطالعات گذشته و تحلیل دستاوردهای خروجی پرداخته است. بر این اساس، با انتخاب 75 پژوهش از میان 1210 پژوهش فراخوانی شده، به احصای کدهای چارچوب پرداخته شد. **یافته ها:** چارچوب ارائه شده دارای شش مقوله، 18 مفهوم و 69 کد است که از بررسی ادبیات موضوعی و خبره‌سنجی توسط خبرگان به دست آمده و شاخص کاپای 0/596، کیفیت آن را تأیید کرده است. **نتیجه گیری:** چارچوب نهایی با داشتن ابعاد آموزش، سازمان، تحقیق، توسعه و نوآوری، ارتباط با زمینه، محیط زیست و بین‌الملل، به همراه مضامین و شاخصهای مرتبط، تمامی مأموریت‌های دانشگاه و اهداف نوآوری اجتماعی در این حوزه را پوشش داده است. یکی از کارکردهای چارچوب ارائه شده، ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاهها بر اساس نوآوری اجتماعی است که می‌تواند نقش پررنگی در توسعه پایدار جامعه و دانشگاهها بازی کند.

واژگان کلیدی: نوآوری اجتماعی، ارزیابی نوآوری اجتماعی، چارچوب، فراترکیب.

♦ دریافت مقاله: 98/10/30؛ تصویب نهایی: 99/04/07

1. دکترای مدیریت دانشگاه تهران / استادیار / پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری / دانشگاه شهید بهشتی.
2. دکترای مدیریت سیستم / دانشکده مدیریت / پردیس فارابی دانشگاه تهران.
3. دکترای مدیریت تولید و عملیات دانشگاه تهران؛ استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ ایران، قم (نویسنده مسئول) / نشانی: بلوار دانشگاه (جاده قدیم تهران)، پردیس فارابی دانشگاه تهران / شماره: 36644081 - 025 / Email: Tkarimi@ut.ac.ir
4. دکترای مدیریت، دانشگاه تهران / استادیار / دانشکده مدیریت و حسابداری / پردیس فارابی دانشگاه تهران.

الف) مقدمه و بیان مسئله

جهانی‌سازی باعث علاقه وافر به دو موضوع به ظاهر متفاوت در سرتاسر جهان شده است: دانشگاهها به عنوان موتورهای نوآوری و مناطق به عنوان موتورهای رشد اقتصادی. دانشگاه نهادی است که قرن‌ها وجود داشته و از زمان آغاز فعالیت، همواره مأموریت خود را تغییر داده و به روز کرده است و در این راستا، اهداف و فعالیتهای خود را با نیازهای نوآورانه فعلی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فناوری و نهادی) در سطح جهانی و محلی تطبیق داده است (کاسترو اسپیلا،¹ 2018). مؤسسات دانشگاهی با تولید و انتشار دانش به عملکرد سیستم‌های نوآوری کمک می‌کنند (فیش و اسلاچف،² 2007). اقتصادهای دانش‌محور، مبتنی بر نوآوری‌اند (اسیت،³ 2007). اگرچه دانشگاهها در تحریک تغییرات فناوری و نوآوری نقش داشته‌اند، اما از آنجا که تمرکزشان بر تجاری‌سازی دانش فنی بوده، سهم آنها در نوآوری‌های اجتماعی کاملاً ناشناخته است. نوآوری‌های فناورانه منشأ رشد اقتصادی‌اند، اما اذعان می‌شود که رشد اقتصادی، بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله نابرابری را حل نمی‌کند. (سیندامار و بیهان،⁴ 2017)

در طول سالیان اخیر، مفهوم نوآوری اجتماعی، به عنوان رویکردی بدیع در زمینه‌های دانشگاهی در حال کسب اهمیت بوده است که برای بررسی مشکلات اجتماعی نوپدید در جوامع کنونی استفاده می‌شود (مورای و کائولیر گرایس،⁵ 2010). یک درخواست در حال رشد را می‌توان در سیاستهای عمومی برای توسعه نوآوری اجتماعی و ابزارهای آن مشاهده کرد، که دلیل خیزش آن، میزان بزرگی بحرانهای مالی و اقتصادی فعلی است (پل و ویل،⁶ 2009). به طور کلی، بحران مالی و اقتصادی باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری می‌شود و نوآوری اجتماعی به طور خاص برای رواج رشد پایدار، شغل‌های ایمن و افزایش رقابت اهمیت بیشتری پیدا کرده است. (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه،⁷ 2010)

از ابتدای سال 2000، نوآوری اجتماعی در سازمانهای دولتی، تجاری، مدنی و شهری به عنوان وسیله‌ای جدید برای حل مشکلات اجتماعی و بهبود خدمات اجتماعی، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (آدامس و هس،⁸ 2010). اصطلاح «نوآوری اجتماعی»⁹ از دو کلمه کاملاً نامربوط تشکیل شده است؛ اما هنگامی که با هم استفاده می‌شوند، بعد جدیدی را به وجود می‌آورند که در معنای ساده، ایده‌ها و رویکردها یا فرایندهای جدید برای رفع نیازهای اجتماعی است (بلایوتام¹⁰ و همکاران، 2019). اگر ما مفهوم دانشگاه را به عنوان نقش آفرینی راهبردی در چندین سطح بیان کنیم، می‌توانیم به لحاظ تجربی مشاهده کنیم که رهبران سازمانی ارشد و گروه‌های تحقیقاتی در دانشگاهها، صلاحیتهایی را طراحی می‌کنند و به فشارهایی در جهت تغییر پاسخ می‌دهند (مک‌کلوی و زارینگ،¹¹ 2018). دانشگاهها به

-
1. *Castro Spila*
 2. *Fritsch & Slavtchev*
 3. *Smith*
 4. *Cetindamar & Beyhan*
 5. *Murray & Caulier-Grice*
 6. *Pol & Ville*
 7. *OECD*
 8. *Adams & Hess*
 9. *SI*
 10. *Belayutham*
 11. *McKelvey & Zaring*

جای مؤسسات اجتماعی، در حال تبدیل شدن به کسب و کارهای علمی اند. در گفتمانهای رایج اجتماعی، احتمال کمتری می‌رود که دانشگاهها تأثیر خود را بر جامعه مدنی بیان کنند، بلکه دستاوردهای خود را از لحاظ تجاری برجسته می‌کنند. این گفتمانها به نوبه خود فشار بیشتری بر دانشگاهها و توانایی آنها در کسب منابع (که می‌تواند آن را به شکل خروجی‌های قابل اندازه‌گیری درآورد) وارد می‌کند. دانشگاهها را می‌توان در حال سازگاری تدریجی در فرایندی که در آن، فراهم‌آوری خدمات به طور مشترک با مشتریان گوناگون انجام می‌شود، تصور کرد (همان). ادبیات نوآوری بیش از حد به نوآوری‌های فناوری علاقه‌مند است. بنابر این، بحث درباره انتقال فناوری در تجاری‌سازی دانش متمرکز است (گرمالدی و همکاران،¹ 2011). دانشگاهها به منظور جذب یا حمایت از کارآفرینان برای انتقال فناوری از دانشگاهها؛ شتاب‌دهنده‌ها، انکوباتورها (مراکز رشد) و پارکهای علم و فناوری را ایجاد می‌کنند. این شرکتها، شرکتهای انتفاعی اند و علم را به سمت کسب و کار و تجارت می‌برند (ستیندامار و بیهان، 2017). دانشگاهها یکی از بازیگران مهم در تولید دانش پیشرفته‌اند. با انتقال دانش به استفاده اجتماعی، دانشگاهها می‌توانند مزایای بسیاری برای جامعه به وجود آورند (پالاری² و همکاران، 2015). با این حال، فعالیتهای انتقال فناوری با این منطبق ثابت اختراع انجام می‌شود که هدف نهایی درآمدهای حاصل از مجوز یا ایجاد استارت‌آپ‌های سودآور است (ستیندامار و بیهان، 2017). از لحاظ تجربی و نظری، دانشگاهها به دلیل موقعیت رقابتی خود، (1) می‌توانند به دلیل فرایند تمایز، راهها یا جهت‌گیری‌های مختلفی را انتخاب کنند؛ (2) می‌توانند با امکان انتخاب در خصوص انواع و تعداد خدماتی که باید ارائه دهند، روبه‌رو شوند و (3) به روابط و شبکه‌هایی با دیگر بازیگران (مثل شرکتها) شکل دهند که بر جاگیری آنها تأثیر می‌گذارد (مک‌کلوی و زارینگ، 2018). در مقابل این پس‌زمینه، اندازه‌گیری فعالیتهای نوآوری اجتماعی و تأثیرات آنها، به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی برای پیشروی نوآوری اجتماعی در سطح منطقه‌ای و سازمانی، برجسته و حائز اهمیت است (اویچ و کران،³ 2010). با این وجود، طرح‌ریزی شاخصهای نوآوری اجتماعی، کاری دشوار و پیچیده است. از این رو، در حال حاضر توسعه شاخصهای نوآوری اجتماعی یک کار آزمایشی است که نیاز به تنظیم رویکردها و مفاهیم، اندازه‌گیری‌های سریالی (سالانه یا دو بار در سال) و مطالعه‌های تطبیقی با مناطق و موارد مطالعه‌ای دیگر دارد تا یک سیستم از شاخصهای نوآوری اجتماعی تثبیت شود (ویلاته نکسا،⁴ 2013). با وجود رشد نیازهای اجتماعی و افزایش تقاضا برای نوآوری اجتماعی، چشم‌انداز پژوهش در زمینه نوآوری اجتماعی همچنان پاره‌پاره و فاقد توافق است. یکی از انتقادهای محوری در این بحث، فقدان داده‌های تجربی است که حداقل تا حدی، نتیجه فقدان رویکردهایی برای سنجش نوآوری اجتماعی است. (باند،⁵ 2013)

هدف اصلی پژوهش حاضر، طراحی چارچوبی برای سنجش و ارزیابی نوآوری‌های اجتماعی دانشگاههاست تا با وجود این سیستم ارزشیابی، نقش و تأثیر دانشگاهها در تولید و اشاعه نوآوری‌های اجتماعی، سنجش شود. سؤال

1. Grimaldi, Kenney, Siegel, & Wright

2. Paleari

3. Oeij & Kraan

4. Villate Txema

5. Bund

278 ♦ طراحی چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها

اصلی در پژوهش حاضر، چگونگی چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در سطح دانشگاههاست که با اکتشاف کدها، مفاهیم و ابعاد (مضامین)، پشتیبانی خواهد شد. برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، پژوهش با بحث درباره مفاهیم نوآوری اجتماعی و ارزیابی آن با تمرکز بر دانشگاهها و مراکز آموزشی آغاز می‌شود؛ سپس با استفاده از روش فراترکیب و بررسی نظام‌مند پژوهشهای پیشین، کدهای مشابه از مجموعه پژوهشهای منتخب، گردآوری و با دسته‌بندی آنها و کمک از خبرگان موضوع، مفاهیم و ابعاد چارچوب شکل گرفته و در نهایت، چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها ایجاد می‌شود.

ب) مبانی نظری و پیشینه پژوهش

1. نوآوری اجتماعی

ایده‌های توسعه اجتماعی، هنگامی به نوآوری‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند که مؤثرتر از مفاهیم دیگر باشند (مینی و کنتکار، 1395). نوآوران اجتماعی فردی‌اند که دغدغه حل مشکلات اجتماعی را در سر دارند. کارآفرینان اجتماعی به کسب ارزش برای خود یا سازمان خود توجهی ندارند، بلکه بر بهبود اوضاع جهان و ارزش آفرینی در حوزه‌های خاص جامعه که برای بهبودشان اشتیاق دارند، متمرکزند (سعدآبادی و همکاران، 1395). نوآوری اجتماعی یک چتر واژه (اصطلاح فراگیر) است که طیف گسترده‌ای از فعالیتها را پوشش می‌دهد؛ از نوآوری‌های اجتماعی مبتنی بر بازار، مانند محصولات تجارت منصفانه و انرژی تجدیدپذیر گرفته تا نوآوری‌هایی که نمی‌توانند در بازارهای رقابتی منظم، مانند بخشهای وسیعی از زمینه‌های فرهنگ، کمک به جوانان و سایر خدمات اجتماعی عملیاتی شوند (لی¹ و همکاران، 2015). بنیاد جوان، نوآوری اجتماعی را این گونه بیان کرده است: «هر راه حل جدید و مفید برای رفع یک نیاز یا یک مشکل اجتماعی، که بهتر از رویکردهای موجود است (یعنی مؤثرتر، کارآمدتر، پایدارتر یا منصفانه‌تر است) و برای آن، ارزش (منافع) ایجاد شده، در درجه اول به افراد جامعه به عنوان یک کل تعلق می‌گیرد تا به افراد» (فیلس،² 2008). با توجه به این تعاریف، ادغام نوآوری اجتماعی در دستور کار دانشگاه ممکن است با دو مشکل اساسی روبه‌رو شود: پیچیدگی نوآوری‌های اجتماعی و دشواری ارزیابی آنها (ستیندامار و بیهان، 2017). با توجه به تعریف تغییر اجتماعی به عنوان هرگونه فعالیتی که منجر به تغییر پیامدهای خاص می‌شود، خواه این فعالیت پیش‌رونده باشد خواه پس‌رونده، خواه نتیجه‌بخش باشد یا نه، می‌توان با قاطعیت نشان داد که نوآوری اجتماعی (یعنی تغییر ساز بودن) مستلزم استفاده از یک رویکرد پایدار در بهبود جامعه با انجام یک اقدام مثبت در راستای مرتفع ساختن مشکلات اجتماعی است. (ریورز³ و همکاران، 2015)

1. Lee
2. Phills
3. Rivers

2. مروری بر رویکردهای ارزیابی

دولتها، سازمانهای غیر دولتی، دانشگاهیان اروپا و سایر نقاط جهان در حال توسعه راهبردها، برنامه‌ها، پروژه‌های آزمایشی و انجام مطالعات درباره نوآوری‌های اجتماعی‌اند. سازمانهای مختلف مانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بنیاد ملی علوم، فناوری و هنر،¹ برنامه ارزیابی دانشجویان بین‌المللی،² مرکز نوآوری‌های اجتماعی³ و دیگران، به دنبال مشخص کردن نیازهای اصلی اجتماعی، شناسایی معیارهای مناسب، شاخصها و ساخت چارچوبهای اندازه‌گیری نوآوری اجتماعی و ابزارند (داینه و داجلیه،⁴ 2015). اقدامات توسعه‌یافته برای نوآوری‌های تجاری به دلیل تفاوت‌های آنها برای نوآوری‌های اجتماعی، قابل اجرا نیستند. برای مثال، چند مدل اندازه‌گیری شناخته شده مانند جدول امتیازی اتحادیه نوآوری، نوآوری‌های اجتماعی را مد نظر قرار نمی‌دهند. برخی از معیارها نظیر سیستم شاخصهای اجتماعی اروپا، به ویژه برای جذب ابعاد اجتماعی مناسب‌اند؛ اما هدف آنها، درک نوآوری اجتماعی نیست. به همین ترتیب، اقدامات دارای تأثیر اجتماعی نوآوری (تولید، سودمندی، جامعیت، ثروت، برابری و شمول) را باید شناسایی کرد، که از این نظر که نوعی چک‌لیست از اهداف سیاست/مدیریت نوآوری اجتماعی ارائه می‌دهند که در آن می‌توان اهداف خاص یک سیاست خاص را با یکدیگر مقایسه کرد، می‌تواند راهنمایی‌های مفیدی را برای سیاستگذاران، محققان دانشگاه و دست‌اندرکاران ارائه کنند (سیندامار و بیهان، 2017). رویکردهای ارزیابی استفاده شده در ارزیابی تأثیر تحقیق و پژوهش، در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند: کتاب‌شناسی، مطالعات موردی، تجزیه و تحلیل اقتصادی و بررسی هم‌تاهمان. بر اساس چارچوب تعالی تحقیقات در انگلستان، تحقیق و پژوهش در دانشگاهها بر اساس سه معیار اصلی ارزیابی می‌شود: کیفیت نتایج و خروجی‌های تحقیق، سرزندگی و انرژی محیط تحقیق و تأثیر گسترده‌تر پژوهش (ریف،⁵ 2014). مؤسسه نوآوری اجتماعی تپسی (2013) در سال 2014 چارچوبی برای ارزیابی نوآوری اجتماعی در سطح کلان ارائه کرد که این چارچوب بین سه سطح مختلف توانمندسازها، فعالیتهای کارآفرینی و خروجی‌ها تمایز قائل می‌شود.

بیرز⁶ (2015) در پژوهش خود بر راه‌حلهایی برای گروههای حاشیه‌نشین و بر اثر نوآوری‌های اجتماعی بر این گروهها تمرکز دارد. اسپیل⁷ و همکاران (2016) در طرح پژوهشی بین‌المللی سیمپکت به جنبه‌های تأثیرگذاری بر اثر نوآوری‌های اجتماعی برای جامعه و اقتصاد و نیز توانایی آن برای توانمندسازی گروههای آسیب‌پذیر در جامعه پرداخته است. داو⁸ (2015) در پژوهش اینویج بر توانایی نوآوری‌های اجتماعی در حمایت از سالهای زندگی سالم⁹

1. NESTA

2. PISA

3. CSI

4. Dainienė & Dagilienė

5. SREF

6. Beers

7. Spila

8. Dave

9. Healthy Life Years (HLY)

280 ♦ طراحی چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها

متمرکز است و یک فرایند برای ارزیابی نوآوری اجتماعی بر اساس کارت امتیازی متوازن با تمرکز بر چهار معیار تأثیر اجتماعی و اقتصادی، پایداری، تحمل و پیاده‌سازی، دو عنصر برای هر معیار معرفی کرده است.

3. اندازه‌گیری و سنجش عملکرد دانشگاه درباره نوآوری

یکی از ملزومات عملکرد موفق سازمانها و دانشگاهها در دنیای رقابتی امروز، داشتن نوآوری و ایجاد مزیت رقابتی است (شاهین و شفیع، 1395). نوآوری در آموزش عالی عبارت است از: «یک محصول، فرایند، روش جدید سازمانی یا روش بهبودیافته قابل توجهی که فرصتها را به بهره‌برداری عملی برای ذی‌نفعان مؤسسات آموزش عالی تبدیل می‌کند» (برزگر و همکاران، 2019). دانشگاهها به منظور جذب یا حمایت از کارآفرینان برای انتقال فناوری از دانشگاهها، شتاب‌دهنده‌ها و انکوباتورها (مراکز رشد) و پارکهای علم و فناوری را ایجاد می‌کنند. این شرکتها، شرکتهای انتفاعی‌اند و علم را به سمت کسب‌وکار و تجارت می‌برند (ستیندامار و بیهان، 2017). دانشگاهها برای دهه‌های متوالی، دانشجویان خود را تشویق می‌کردند تا از طریق فعالیتهای اجتماعی و خیریه، در اجتماع محلی خود مشارکت داشته باشند. این فعالیتهای عمدتاً خیریه‌اند و سبب تقویت نوآوری اجتماعی نمی‌شوند. اخیراً بسیاری از دانشگاهها سعی می‌کنند نوآوری اجتماعی را تشویق کنند؛ برای مثال، از راه تأسیس مراکز اختصاصی نوآوری اجتماعی و تقویت آموزش و مشارکت دانشجویان (مک‌کلوی و زارینگ، 2018).

4. دانشگاه و نوآوری اجتماعی

امروزه عوامل متعددی موجب شده است مراکز علمی و دانشگاهی به طور جدی به نوآوری اجتماعی توجه کنند (مینی و کنتکار، 1396). دولتها و بازیگران در جوامع علمی، نوآوری اجتماعی را راهی برای تشویق تولید مشترک نتایج¹ و توسعه یک «اقتصاد اجتماعی»² می‌بینند (میلی و زیجارتو،³ 2018). در نتیجه اعلانهای یونسکو (1998-2009) در سالهای اخیر، آگاهی جهانی به مسئولیت مؤسسات آموزش عالی در استفاده دانش و منابع‌شان برای خدمت به کل جامعه افزایش یافته است.

اعلامیه جهانی یونسکو درباره آموزش عالی قرن بیست و یکم، در ماده 6.ب. اظهار می‌دارد: «آموزش عالی باید نقش خود را در خدمت‌رسانی به جامعه، به ویژه فعالیتهای خود با هدف فقرزدایی، تحمل‌پذیری، خشونت، بی‌سوادی، گرسنگی، تخریب محیط زیست و بیماری را عمدتاً از طریق یک رویکرد بین رشته‌ای در تحلیل مشکلات و موضوعات تقویت کند» (باس و گویلو،⁴ 2015). دانشگاهها معمولاً نقش مهمی در تحریک تغییرات فناوری و نوآوری برای تجاری‌سازی از طریق همکاری دانشگاه و صنعت داشته‌اند؛ هر چند متأسفانه جامعه اغلب مورد غفلت واقع شده است (ستیندامار، 2016). بسیاری از حوزه‌های فعلی در دانشگاهها روی جلسات کلاس درس تمرکز دارند که این امر، دانشجویان را از دنیای واقعی بیرون می‌کشد. این در حالی است که مشارکت جامعه دانشگاهی در شیوه‌های

1. Co-Production of Outcomes

2. Social Economy

3. P. Milley & Szijarto

4. Bas & Guillo

نوآوری اجتماعی، نقش مهمی در ترسیم آینده از طریق تقویت پتانسیل‌های خلاقانه ایفا می‌کند (یلدریم و آنسال، 2017)¹؛ به طوری که نقش معمول دانشگاهها باید تغییر کند و آنها باید نقش خود را در تولید و انتشار نوآوری‌های اجتماعی به درستی ایفا کنند. دانشگاهها می‌توانند این کار را از طریق فعالیتهای تحقیقاتی و با ایجاد راههای انتقال نوآوری اجتماعی از مسیر ارتباط با سازمانهای مختلف انجام دهند (سیندامار، 2016). از جمله تلاشهای شناخته‌شده، ابتکار عمل دولت ژاپن است که بر تولید مهندسان جهانی از طریق مراکز بین‌المللی تأکید دارد. دانشجویان کشورهای مختلف برای حل مشکلات واقعی که جوامع جنوب شرقی آسیا با آن مواجه‌اند، از طریق یک برنامه بین‌المللی نوآوری اجتماعی همکاری می‌کنند (ماتسوشیتا² و همکاران، 2015). چندین دانشگاه دیگر نیز برای آموزش رهبران آینده در موضوع تغییرات اجتماعی و محیطی، برنامه‌های مشخصی را مانند استنفورد در بنیادها و مسئولیت اجتماعی شرکی،³ فو کو در کارآفرینی اجتماعی و هاروارد در نوآوری در حکمرانی آغاز کرده‌اند (مولگان⁴ و همکاران، 2007). مشارکت دانشگاهها در زمینه اجتماعی نیز در مدل مسئولیت نوآوری اجتماعی دانشگاه⁵ قابل مشاهده است که به عنوان الگویی برای دانشگاهها برای پاسخگویی به مسئولیتهای اجتماعی با استفاده از کارکردهای اساسی‌شان مانند تدریس، تحقیق، مدیریت و دسترسی اجتماعی به نوآوری اجتماعی است. یک پژوهش مسؤلانه و نوآوری اجتماعی می‌تواند از تقاطع بین سه عنصر اصلی برنامه درسی، تحقیق و تعامل اجتماعی، به دست آید. (ون رنسبورگ⁶ و همکاران، 2016)

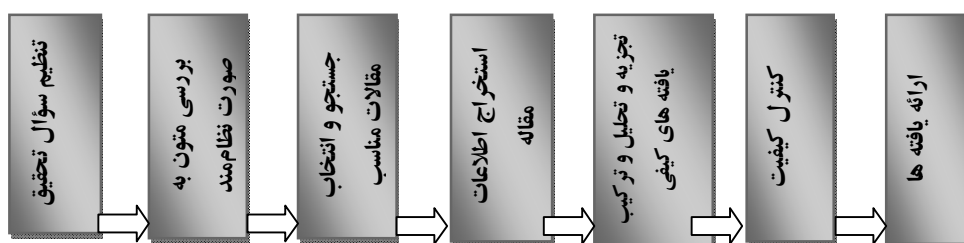
ج) روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهشهای اکتشافی است و محقق در تلاش است تا با استفاده از روش فراترکیب، مقولات (ابعاد)، مفاهیم (مؤلفه‌ها) و کدها (شاخصهای چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی را از طریق مرور نظام‌مند مباحث نظری استخراج کند. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که مطالعات و نتایج استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. نمونه مد نظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آنها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به چارچوب جامعی برای در بر گرفتن تمام ابعاد ارزیابی نوآوری است. در نتیجه، روش فراترکیب برای به دست آوردن دیدگاهی جامع از پژوهشهای صورت پذیرفته در این حوزه می‌تواند روش مناسبی باشد و تعمیم‌پذیری بیشتری را در مطالعات مبتنی بر مدارک فراهم سازد.

1. Yildirim & Ansal
2. Matsushita
3. CSR
4. Mulgan
5. RUSL
6. Van Rensburg

(د) مراحل پژوهش

فرا ترکیب مستلزم این است که محقق، بازنگری دقیق و عمیقی را انجام داده و یافته‌های تحقیق کیفی مرتبط را ترکیب کند. به واسطه بررسی یافته‌های مقاله‌های اصلی تحقیق، محققان واژه‌هایی را آشکار و ایجاد می‌کنند که نمایش جامع‌تری از پدیده مورد بررسی را نشان می‌دهند. مشابه نگرش نظام‌مند، استفاده از فرا ترکیب نتیجه‌ای را حاصل می‌کند که بزرگ‌تر از مجموع بخش‌هایش است. به منظور تحقق این هدف، از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو¹ (2003، 2007) استفاده شد که خلاصه مراحل آن در شکل 1 نشان داده شده است.



شکل 1: گامهای فرا ترکیب

گام اول: تنظیم سؤال پژوهش

سؤال پژوهش این است که: چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی چگونه است؟ ابعاد، مضامین و شاخصهای آن کدامند؟

گام دوم: مرور ادبیات به شکل نظام‌مند

در این پژوهش، پایگاه‌های داده، مجلات علمی و موتورهای جستجوی مختلفی بین سالهای 1990 تا 2019 بررسی شده است. همچنین واژگان کلیدی متنوعی از جمله: نوآوری اجتماعی،² ارزیابی³ نوآوری اجتماعی، ارزشیابی⁴ نوآوری اجتماعی، سنجش⁵ نوآوری اجتماعی و ترکیبی از آنها با واژه دانشگاه یا تحصیلات عالی برای جستجوی مقالات تحقیق به دو زبان فارسی و انگلیسی استفاده شده است.

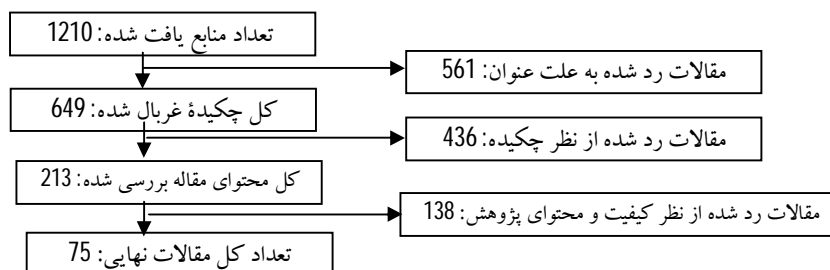
گام سوم: جستجو و انتخاب مقالات مناسب

در فرایند جستجوی مقالات، مؤلفه‌های مختلفی از جمله: عنوان، چکیده، محتوا و جزئیات مقاله همچون: نام نویسنده، سال انتشار و ... در نظر گرفته شدند و پژوهشهای نامتناسب با پرسش و هدف این پژوهش حذف شدند.

1. Sandelowski & Barroso
 2. Social Innovation
 3. Assessment
 4. Evaluation
 5. Measurement

معیار پذیرش و رد مطالعات، شامل زبان پژوهش، بازه زمانی، شرایط و نوع مطالعه بوده است. در این فراترکیب، از مقالات و پژوهشهایی که ملاک درون گنجی داشته‌اند، استفاده شده است. معیارهای درون گنجی¹ این اثر عبارتند از: 1. ثبت در پایگاههای علمی معتبر؛ 2. تهیه شده توسط مؤسسات معتبر بین‌المللی در زمینه نوآوری اجتماعی؛ 3. ذکر عوامل مؤثر بر ارزیابی یا سنجش تأثیر نوآوری اجتماعی و مفاهیمی از این دست؛ 4. پژوهشهای مرتبط با ارزیابی در دانشگاهها. در نهایت با توجه به موضوع، چکیده، پرسش، هدف و زمینه ارزیابی، 1210 پژوهش اولیه برای بررسی عمیق انتخاب شدند.

کیفیت پژوهشهای منتخب از طریق فهرست «کورگک 32-آیتم»² که ابزاری برای ارزیابی منابع مورد بررسی در روشهای کیفی است (تانگ و همکاران، 2007³)، با کمک گروه کانونی شامل پنج نفر از اساتید داخلی رشته مدیریت و سه نفر از مدیران بنگاههای اجتماعی صاحب نظر و تألیف در زمینه نوآوری اجتماعی، ارزیابی و در سه دسته کیفی بالا، متوسط و ضعیف دسته‌بندی شد. در نتیجه این ارزیابی، 24 مقاله بیش از 28 امتیاز (سطح بالا)، 51 مقاله بین 22 تا 27 امتیاز (سطح متوسط) و بقیه کمتر از 22 امتیاز (سطح پایین) کسب کردند و برای استخراج اطلاعات، 75 مقاله دارای دو سطح بالا و متوسط انتخاب شدند. در شکل 2، خلاصه‌ای از فرایند ارائه شده، به همراه نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر ذکر شده است.



شکل 2: فرایند انجام شده در فراترکیب

گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات

محقق در سراسر فراترکیب، به طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی شده را به منظور دستیابی به یافته‌های درون محتوای مجزایی که در آنها مطالعات اصلی و اولیه انجام شده‌اند، چند بار مطالعه کرده است. محقق در پژوهش حاضر، 165 کد را شناسایی و سپس بر اساس مراجع یافت‌شده، نام و نام خانوادگی نویسنده و سال انتشار مقاله، در جدولی ارائه کرده و در اختیار خبرگان قرار داده و در نهایت، پس از دریافت نظرات خبرگان، کدهای نهایی را فهرست کرده است.

1. Inclusive Criteria
2. COREQ 32-item
3. Tong, Sainsbury & Craig

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی

در پژوهش حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج شده از مطالعات را به عنوان کد در نظر می‌گیریم. سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آنها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌کنیم و به این ترتیب، مفاهیم تحقیق را شکل می‌دهیم. در تجزیه و تحلیل موضوعی روی 75 پژوهش نهایی انتخاب شده، شش مقوله و 18 مفهوم اصلی به عنوان عناصر اصلی مهم در چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی تشکیل شد. این مضامین اصلی از 69 کد و زیرعناصر اصلی گرفته شده‌اند. اطلاعات مندرج در جدول 1، تقسیم‌بندی کدهای نهایی پژوهش حاصل از مرحله اول را نشان می‌دهد. شش بُعد کلی در نظر گرفته شده برای تقسیم‌بندی کدها، نشان‌دهنده اهمیت عوامل تأثیرگذار بر مأموریت اصلی دانشگاه؛ یعنی تعلیم و تربیت و نوآوری اجتماعی است.

گام ششم: کنترل کیفیت

در این مرحله، محقق برای ارزیابی کیفیت، از روش کسپ¹ استفاده کرده است. محقق در این گام به منظور اطمینان از حفظ کیفیت در مطالعه خود، به گامهای قبل بازمی‌گردد تا از انجام صحیح آنها اطمینان پیدا کند. در این تحقیق، برای کنترل مفاهیم استخراجی، از مقایسه نظرات محقق با یک خبره دیگر نیز استفاده شده است. برای حصول این منظور، تعدادی از متون انتخابی در اختیار یکی از خبرگان گروه قرار گرفت و نتایج حاصل، از طریق شاخص کاپا² ارزیابی شد که $k=0/596$ و با توجه به عدد معناداری 0/001، این شاخص پذیرفته شد. شاخص کاپا بین صفر تا یک نوسان دارد و هرچه مقدار سنج به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان می‌دهد بین رتبه‌دهندگان توافق وجود دارد و در اینجا توافق در سطح متوسط به بالاست. (جنسن و آلن، 1996³)

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

چارچوب ارزیابی نهایی پس از طی مراحل روش فراترکیب در شش مقوله اصلی، 18 مفهوم و 69 کد ارائه شد. بُعد اول به ارزیابی برنامه‌های درسی و آموزشی می‌پردازد و علاوه بر آموزش، به به کارگیری آموزشها و توسعه نیز توجه دارد و لازمه آن، ادغام رویکرد یادگیری و تقویت کارآفرینی اجتماعی در کنار بهبود کیفیت زندگی گروههای اجتماعی است. باید توجه داشت که توسعه، مبتنی بر تحلیل انتقادی موضوعات اجتماعی باشد. بُعد دوم، بعد سازمان است که به مدیریت و تحول دانشگاه از نظر چشم‌انداز، سیاستها، راهبردها، برنامه‌ها و فرایندها مربوط است و مبتنی بر فرهنگ سازمانی‌ای است که نوآوری اجتماعی را پشتیبانی می‌کند. بُعد سوم، در زمینه تحقیق و توسعه به همراه اجرا و مشارکت در نوآوری‌های اجتماعی است که در رابطه با توسعه جامعه داخلی و خارجی دانشگاه است. تحقیق، توسعه و نوآوری به عنوان عملی که دانشگاهها برای حل مسائل اجتماعی جدید از آن استفاده می‌کنند، می‌بایست مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. بُعد چهارم یا رابطه با زمینه(بافت)، به ارزیابی نحوه تعامل دانشگاه با محیط و

1. CASP

2. Kappa

3. Jensen & Allen

285 ♦ علی اصغر سعدآبادی و همکاران

نهادهای پیرامونی اشاره دارد. این رابطه و تعامل می‌بایست در اشتراک‌گذاری‌ها، تنظیم اهداف مشترک و ارائه راه‌حلهای مربوط به چالشهای اجتماعی سنجیده شود. در بُعد پنجم و زیست‌محیطی، توانایی‌ها دانشگاه در به عهده گرفتن نقش خود در سیستم اجتماعی-زیست‌محیطی بررسی و عملکرد آن در توسعه پایدار نقد می‌شود. در بُعد ششم، زمینه‌های شبکه‌سازی فرامرزی و ارتقای نوآوری اجتماعی از طریق نشستهای چند فرهنگی ارزیابی می‌شود.

جدول 1: چارچوب نهایی ارزیابی نوآوری اجتماعی دانشگاه

مقوله	مفهوم	کد	برخی منابع	
آموزش	آموزش دانشجویی	اکتساب، جذب، ارتقای دانش	میلی و همکاران، 2018؛ ویلانه تکسما، 2013.	
		یادگیری متقابل و ظرفیتهای یادگیری	میلی و همکاران، 2018؛ میشل، 2015.	
	توسعه حرفه‌ای کارکنان	توانمندسازی فردی و اجتماعی	دانیل و گوجکو، 2015؛ چن، 2014؛ نیاری داو، 2015؛ ایگر، 2015.	
		آموزش و ابتکارات آموزشی	داینیه و داجیلینه، 2015؛ 2016؛ فرازانو و همکاران، 2015.	
میزان	مدیریت و ارزیابی نهادی	آگاهی از نیازها و نوآوری اجتماعی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ کاسترو اسپیلا، 2016.	
		رطاه (کیفیت زندگی کاربران)	مولگان، 2010؛ واحد ارتباطات علمی، 2014؛ ماجومدار، 2015.	
	فرهنگ سازمانی	ایجاد نقشها و روابط جدید	دانیل و گوجکو، 2015؛ میلی و همکاران، 2018.	
		توسعه دارایی‌ها و توانایی‌ها	ویلانه تکسما، 2013؛ نیاری داو، 2015.	
	رشد اقتصادی	خودسازماندهی	ریفلد و ترسترپ، 2017؛ ایگر، 2015.	
		اجتماعی کردن داخلی	میلی و همکاران، 2018.	
		مدارا (تحمل)	اشمیتز و همکاران، 2013؛ ایگر، 2015.	
		همبستگی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ فرانسیسکا، 2012.	
		ارزشها / نگرشها / هنجارها	ریفلد و ترسترپ، 2017؛ ریدر و همکاران، 2012؛ پرسکیل و بیر، 2012؛ باند، 2013.	
		ذهنیت خطرپذیری	ایگر، 2015؛ چن، 2014؛ میلی و همکاران، 2018.	
مالی و اقتصادی	جریانهای درآمد	تمایل به کارآفرینی	ایگر، 2015؛ چن، 2014.	
		اراده‌گرایی (کار داوطلبانه)	داینیه و داجیلینه، 2015؛ 2016.	
	تنوع در منابع سرمایه‌دهی و تأمین مالی	رشد اقتصادی	کاسترو اسپیلا، 2016؛ نیاری داو، 2015.	
		هزینه‌های اجتماعی عمومی و خصوصی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ نیاری داو، 2015؛ ایگر، 2015؛ مارتینز، 2017.	
تحقیق، توسعه و نوآوری	ترویج تحقیق در موضوعات اولویت‌دار	تأثیر پروژه‌های نوآوری اجتماعی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ کرف و همکاران، 2014.	
		تعداد اقدامات اجتماعی نوآورانه و میزان نوآوری	باند، 2015؛ ایگر، 2015؛ اکونومیست، 2013؛ اشمیتز و همکاران، 2013؛ هوبرت، 2010؛ اکونومیست، 2013؛ اشمیتز و همکاران، 2013؛ ایگر، 2015؛ باند، 2013؛ 2015.	
	جامعه پژوهش و شبکه‌های تولید دانش	مشارکت و ظرفیت اتصال	داینیه و داجیلینه، 2015؛ 2016؛ فرازانو و همکاران، 2015؛ مولگان، 2010.	
		توسعه خوشه‌ها	ایگر، 2015؛ چن، 2014؛ میلی و همکاران، 2018.	
	مدیریت دانش	درجه کنترل اجتماعی	اومونوف و ورتینوکوف، 2016؛ اکونومیست، 2013؛ چن، 2014؛	
		اکتساب، جذب، ارتقای دانش	کرف و همکاران، 2014؛ واحد ارتباطات علمی، 2014؛ اشمیتز و همکاران، 2013.	
				میلی و همکاران، 2018؛ اکونومیست، 2013.
				فرانسیسکا، 2012؛ واحد ارتباطات علمی، 2014؛ فرازانو و همکاران، 2015.

286 ♦ طراحی چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها

	یادگیری متقابل و ظرفیتهای یادگیری	کییولا و آفونسو، 2017؛ آنتا و همکاران، 2016.
	پیاده‌سازی و انتشار دانش ترکیبی	ویلاته تکسما، 2013؛ کاسترو اسپیلا، 2016؛ میشل، 2015؛ فرانسیسکا، 2012.
انتقال و انتشار	مقیاس‌پذیری، انتقال و/یا انتشار نوآوری و توسعه	میشل، 2015؛ فرانسیسکا، 2012؛ ریدر و همکاران، 2012؛ لین، 2016.
	درجه‌توان در تأثیر اجتماعی پروژه‌های اجتماعی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ کرف و همکاران، 2014.
	پذیرش و استقرار با شهروندان و دولت	لین، 2016؛ اشمیتز و همکاران، 2013.
	درجه‌پایداری پروژه‌های اجتماعی	کاسترو اسپیلا، 2016؛ فرازانو و همکاران، 2015.
	جهت‌گیری اجتماعی	میلی و همکاران، 2018؛ اشمیتز و همکاران، 2013.
	راه‌اندازی و تدارکات و فعالیتهای سرمایه‌گذاری	کرف و همکاران، 2014؛ اشمیتز و همکاران، 2013؛ میلی و همکاران، 2018.
نوآوری و کارآفرینی	سرمایه‌گذاری در نوآوری توسط سازمانهای اقتصادی اجتماعی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ کرف و همکاران، 2014؛ میلی و همکاران، 2018.
	تأثیر پروژه‌های نوآوری اجتماعی	دایلینه و داجیلینه، 2015؛ 2016؛ ویلاته تکسما، 2013؛ لین، 2016.
	تعداد اقدامات اجتماعی نوآورانه و میزان (نوآوری) فعالیت	مارتینز، 2017؛ گریسیک و کلیمک، 2018.
	کارآفرینی	میلی و همکاران، 2018؛ چن، 2014؛ ایگر، 2015؛ اکونومیست، 2013.
	سرمایه‌گذاری در نوآوری توسط سازمانهای دولتی	نیاری داو، 2015؛ اومونوف و ورتینوکوف، 2016.
	فناوری اطلاعات	کاسترو اسپیلا، 2016؛ واسین و همکاران، 2017.
زیرساخت	زیرساخت کلی	اشمیتز و همکاران، 2013؛ واسین و همکاران، 2017.
	شناسایی نیاز اجتماعی	لین، 2016؛ میلی و همکاران، 2018؛ باند، 2015.
رابطه با جامعه، پروژه‌ها	تعامل و روابط اجتماعی	میشل، 2015؛ آنتا و همکاران، 2016.
	سرمایه اجتماعی	باند، 2015؛ چن، 2014.
	اعتماد	دانیل و گوجکو، 2015؛ اشمیتز و همکاران، 2013.
	رضایت‌ذی‌نفعان و رضایت اجتماعی	گلدبرگ و همکاران، 2009.
	سیک کردن بودجه عمومی	کاسترو اسپیلا، 2016؛ نیاری داو، 2015.
	مشارکت در توسعه	اشمیتز و همکاران، 2013؛ ایگر، 2015.
شبکه با جامعه و گروههای مختلف علاقه‌مند	تغییر نظام‌مند	باند، 2013؛ نیاری داو، 2015.
	عضویت در سازمانهای جامعه مدنی	ایگر، 2015؛ اشمیتز و همکاران، 2013.
	تنوع در نوع مداخلات اجتماعی	باند، 2013؛ ایگر، 2015.
	تولید دانش علمی و مشترک	آنتا و همکاران، 2016؛ ایگر، 2015.
	شبکه و تشریک مساعی	ریفلد و ترستریپ، 2017.
	رژا و آسایش	ماجومدار، 2015؛ فرانسیسکا، 2012.
تأثیرگذاری بر سیاستهای عمومی	فرصتهای برابر/ نابرابری	اشمیتز و همکاران، 2013؛ ایگر، 2015؛ فلورمن و همکاران، 2016.
	جهت‌گیری اجتماعی	میلی و همکاران، 2018.
	حکم قانون	کاسترو اسپیلا، 2016؛ اکونومیست، 2013.
	تسهیم قدرت	ماجومدار، 2015.
	تعداد اقدامات اجتماعی نوآورانه	اکونومیست، 2013؛ میلی و همکاران، 2018.
	آسیب‌پذیری و خطرات زیست‌محیطی	کاسترو اسپیلا، 2016؛ چن، 2014.
فرهنگ محیطی		

رابطه با نهاد زمینه

	بهبود رفاه زیست محیطی	دایلینه و داجیلینه، 2015؛ 2016.
	اصلاح محیطی	فرازانو و همکاران، 2015؛ مارتینز، 2017.
سیاستها و سیستم‌های مدیریت محیطی	حفظ سرمایه طبیعی	دایلینه و داجیلینه، 2015؛ 2016؛ مارتینز، 2017.
	پایداری محیطی و انتشار آلاینده‌ها	دایلینه و داجیلینه، 2016؛ فرانسیسکا، 2012.
شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی	گواهینامه و اختراعات بهداشت و محیط	بالاین و همکاران، 2016.
	شبکه و تشریک مساعی	چن، 2014؛ آنهیر و همکاران، 2014.
	توسعه خوشه‌ها	ایکر، 2015؛ فرازانو و همکاران، 2015.

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاهها می‌توانند به کمک رسالت خود که عبارت است از ایجاد تحول در زندگی افراد و القای تغییر در اذهان، موجبات رشد متفکران قدرتمندتر و جوامع قوی‌تر را فراهم کند. جهت‌گیری دانشگاه در زمینه آموزش نوآوری اجتماعی به طرق مختلفی منعکس‌کننده پیچیدگی جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. دانشگاهها با ایجاد و انتشار نوآوری‌های اجتماعی، موجب ارتقای رویکردهای نظام‌مند و پایداری بهسازی جامعه خواهد شد. موضوع نوآوری دیگر تنها در آزمایشگاههای تحقیقاتی یا دانشگاهها بررسی نمی‌شود، بلکه به طور گسترده‌ای به حوزه جامعه مدنی و افراد راه پیدا کرده است. اهمیت در حال رشد نوآوری اجتماعی در جوامع سیاسی و دانشگاهی، کشف روشهایی را برای سنجش و ارزیابی نوآوری‌های اجتماعی ضروری ساخته است. با توجه به رشد روزافزون نوآوری اجتماعی در حل چالشهای جهانی و اهمیت ارزیابی آن به سبب تحقق اهداف و رفع نیازهای اجتماعی، پژوهشهای دانشگاهی در دنیا بسیار محدود و در داخل کشور نیز به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی برای ارزیابی و سنجش نوآوری اجتماعی به انجام نرسیده باشد. چارچوب حاضر به عنوان اولین چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی داخلی، با بررسی تمامی پژوهشهای پیشین و رفع کمبودهای الگوهای پیشین، به عنوان رویکردی برای آگاهی‌بخشی به بازیگران دانشگاهی و مراکز علمی، به درک بهتر و عملی‌تری از مفهوم نوآوری اجتماعی منجر خواهد شد و تصمیم‌گیری بر اساس شواهد را برای محققان این حوزه میسر خواهد ساخت. اغلب تحقیقات پیشین از نوع مطالعات فنی و دانشگاهی نبوده و طرح شاخص و چارچوبی بر اساس معیارهای معین ارزیابی ارائه نداده‌اند؛ در حالی که در پژوهش حاضر با تکیه بر روش‌شناسی کیفی، به گردآوری و ترکیب شاخصهای موجود در ارزیابی نوآوری اجتماعی پرداخته شده است.

با بررسی مطالعات پیشین در عرصه بین‌الملل، به نظر می‌رسد مدل ارزیابی بر اساس نوآوری اجتماعی در سطح دانشگاهها ارائه نشده است. برای مثال، پژوهش ستیندامار و بیهان (2017) تنها به ارائه برخی شاخصهای مؤثر بر نوآوری اجتماعی پرداخته است و هیچ معیار واقعی که بتوان برای تعیین کمیت ارزیابی از آن استفاده کرد، ارائه نمی‌دهد؛ ریورز و همکاران (2015) فقط ارتباط میان نوآوری اجتماعی و دانشگاه را مطرح کرده‌اند؛ در پژوهش مک کلوی و همکاران (2018) نیز به نقشهای جدید دانشگاهها و ارتباط عمیق‌تر با جامعه در حل چالشهای اجتماعی اشاره شده است. در مقایسه با مدلها و چارچوبهای ارزیابی نوآوری اجتماعی که دارای خاستگاه خارجی و غیر بومی‌اند و با توجه به

288 ♦ طراحی چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها

اینکه نوآوری‌های اجتماعی از جنس نرم و وابسته به زمینه‌اند، چارچوب ارائه‌شده در این پژوهش با کمک خبرگان داخلی، مبنای مناسبی برای ارزیابی نوآوری‌های اجتماعی دانشگاهی و رشد و توسعه این حوزه در عرصه دانشگاهی و جامعه مدنی کشور عزیزمان ایران خواهد بود. برای مثال، مؤسسه تپسی در سال 14-2013 به طراحی مدل ارزیابی نوآوری اجتماعی در سطح کلان و در بافت اتحادیه اروپا پرداخته، یا پژوهش مؤسسه سیمپکت که در سال 2015 مدلی برای ارزیابی در سطح میانی و با توجه به بستر اروپایی مطرح کرده است. با بررسی مدل‌های اینچینی برای استفاده بومی، به نظر می‌رسد تمامی آنها نیازمند تغییر و بومی‌سازی بر اساس هنجارهای داخلی و سایر مؤلفه‌های فرهنگی و اجرایی کشورمان خواهند بود. با مرور سایر پژوهش‌های پیشین باید اذعان داشت که طرح چارچوب شاخصها و ارائه چارچوب جامع ارزیابی نوآوری اجتماعی در سطح دانشگاهها از دیگر نوآوری‌های پژوهش کنونی است.

شاخصها، عوامل قابل اندازه‌گیری یا شواهدی‌اند که میزان پیشرفت، موفقیت یا دستاوردها را نشان می‌دهند. در پژوهش حاضر سعی شده است با مطالعه نظام‌مند ادبیات، به جمع‌آوری و طبقه‌بندی تمامی شاخصهای مؤثر بر ارزیابی نوآوری اجتماعی پرداخته شود و در ادامه، با کمک خبرگان داخلی، چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی در دانشگاهها طراحی و ارائه شود. چارچوب ارزیابی نوآوری اجتماعی پژوهش حاضر، تمام ابعاد مأموریت دانشگاه (پژوهش، آموزش و تعامل اجتماعی) و اهداف نوآوری اجتماعی (شغل، آموزش و پرورش، مشارکت مدنی، رضایت از زندگی، تعادل کار و زندگی، درآمد، جامعه، محیط زیست، سلامت و ایمنی) را در بر می‌گیرد.

چارچوب ارائه‌شده در شش مقوله آموزش، سازمان، تحقیق، توسعه و نوآوری، رابطه با بُعد زمینه و محیط زیست طبقه‌بندی شده است. در بعد آموزش به هر دو گروه مشتریان داخلی و خارجی پرداخته شده و توانمندسازی دانشجویان و کارکنان توأمان مد نظر قرار گرفته است. مفاهیمی همچون: مدیریت، فرهنگ و مالی، پوشش‌دهنده بعد سازمانی‌اند و از کدهای تشکیل‌دهنده، به توسعه دارایی‌ها، اجتماعی‌سازی و رشد اقتصادی می‌توان اشاره کرد که پایداری دانشگاهها را به دنبال خواهند داشت. تحقیق و توسعه و نوآوری از دیگر ابعاد چارچوب و در بر دارنده ورودی‌ها و خروجی‌های نوآوری در دانشگاه‌اند. رابطه با زمینه و بافت نیز اشاره به تأثیرگذاری دوجانبه دانشگاه و جامعه بر همدیگر دارد. با توجه به اهمیت مسائل زیست‌محیطی در نوآوری‌های اجتماعی، بعد زیست‌محیطی به نقش مؤثر دانشگاه در این حوزه می‌پردازد و در انتها، دانشگاه در بعد بین‌الملل به شبکه‌سازی جهانی و توسعه خوشه‌ها خواهد پرداخت. این گونه چارچوبها می‌توانند ابزاری معتبر برای ارزیابی تأثیر تحقیقات در هر مؤسسه آموزش عالی در جهان باشند؛ به ویژه هنگامی که نوآوری‌های اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرند. این گونه ارزیابی‌ها ممکن است برای به دست آوردن ارزش اجتماعی نوآوری‌های تولید شده در دانشگاهها بسیار مهم تلقی شوند و ارزشگذاری بیرونی روی آنها صورت گیرد. چنین چارچوبها و مدل‌های ارزیابی، پوشش‌دهنده مواردی همچون: گروههای بهره‌مند از نوآوری‌های اجتماعی، موقعیت جغرافیایی تأثیر، نوع نوآوری‌های اجتماعی از نظر خروجی آنها و منافع اجتماعی که نوآوری به همراه خواهد داشت، خواهند بود.

با مترهای اینچینی علاوه بر هدایت دانشگاهها در شکل دادن به سیاست عمومی و کاهش چالشهای اجتماعی، امکان مقایسه دانشگاههای مختلف بر اساس اهداف نوآوری اجتماعی به وقوع خواهد پیوست و نقش پررنگ

289 ♦ علی اصغر سعدآبادی و همکاران

مسئولیت اجتماعی دانشگاهها برای جامعه روشن تر خواهد شد. محققان و فرهیختگان دانشگاهی با به کارگیری و ارزیابی این چارچوب، به اعتبارسنجی آن کمک شایانی خواهند داشت. به نظر می‌رسد تحقیقات درباره نوآوری اجتماعی در حال تسریع است. بنابر این، محققان ممکن است به منظور کشف ارزیابی نوآوری‌های اجتماعی در دانشگاهها، برنامه‌ای برای ادغام طیف گسترده‌ای از نظریه‌ها در زمینه مدیریت فناوری و کارآفرینی اجتماعی داشته باشند. همچنین توسعه معیارهای این موضوع، نیازمند پیگیری است که با مطالعات میدانی تجربی به تکامل خواهد رسید.



منابع

- برزگر، نادر؛ نادرقلی قورچیان و علی تقی پورظهير (1398). «آسيب‌شناسی خلق ظرفیتهای نوآوری در مدیریت دانشگاهی ایوان (مورد: دانشگاه آزاد اسلامی)». *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ش 10(37): 291-310.
- سعدآبادی، علی اصغر؛ علی اصغر پورعزت، محمدامین قانع راد، نیما مختارزاده و مهدی الیاسی (1395). «چرخه حیات نوآوری‌های اجتماعی». *مدیریت توسعه فناوری*، ش 4(3): 69-95.
- شاهین، آرش و محمدعلی شفیعی (1395). «نوآوری باز در دانشگاه: مفاهیم، چالشها و توانمندسازها». *دومین کنفرانس بین‌المللی کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری*. شیراز.
- مبینی دهکردی، علی و مهران کشتکار هرانکی (1395). «فرا ترکیب مدل‌های نوآوری اجتماعی». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش 7(26): 101-138.
- مبینی دهکردی، علی و مهران کشتکار هرانکی (1396). *نوآوری اجتماعی (مفاهیم، تعاریف و مدلها)*. تهران: دانشگاه تهران.
- Adams, D. & M. Hess (2010). **"Social Innovation and why it has Policy Significance"**. SAGE Publications Sage UK: London, England
- Anheier, H.K.; G. Krlev, S. Preuss, G. Mildenberger, R. Bekkers, W. Mensink, ... A. Hernandez (2014). **Social Innovation as Impact of the Third Sector**.
- Balaton, K.; J. Benedek, G. Kocziszky & M.V. Somosi (2016). **"Generating and Measuring Regional Social Innovation"**. *Theory, Methodology, Practice*, 12(SI): 14.
- Barzegar, N.; N. Ghorchian & A. Taghipur Zahir (2019). **"Pathology of Innovation Capabilities creation in Iranian University Management (Case: Islamic Azad University)"**. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 10(37): 291-310.
- Bas, E. & M. Guillo (2015). **"Participatory Foresight for Social Innovation. FLUX-3D Method (Forward Looking User Experience), a Tool for Evaluating Innovations"**. *Technological Forecasting and Social Change*, 101: 275-290.
- Belayutham, S.; C.K.I. Che Ibrahim, A.R. Zulkifli & N. Ibrahim (2019). **"A Dual-Functional Social Innovation Process Model for Low-Cost Houses through University-Enabled Initiative"**. *Construction Innovation*, 19(2): 126-148.
- Bund, E. (2013). **Blueprint of Social Innovation Metrics: Contributions to an Understanding of Opportunities and Challenges of Social Innovation Measurement**.
- Bund, E. (2015). **"A Methodological Framework for Measuring Social Innovation"**. *Historical Social Research*, 40(3): 48-78.
- Castro Spila, J. (2016). **"Social Innovation Regimes: An Exploratory Framework to Measure Social Innovation"**. Retrieved from: Javier Castro Spila, L.Á.U.A. *Social Innovation Regimes, An Exploratory Framework to Measure Social Innovation*.
- Castro Spila, J. (2018). **"Social Innovation Excubator: Developing Transformational Work-Based Learning in the Relational University"**. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 8(1): 94-107.
- Castro Spila, Javier; C.P. Dhondt Steven, Anna Kaderabkova, Luna Alvaro & Saman Saeed Moghadam (2016). **Social Innovation Evaluation Toolbox. Simpackt**.
- Cetindamar, D. & B. Beyhan (2017). **Social Innovation Assessment at the University Level**.

- Cetindamar, D. (2016). **A New Role for Universities: Technology Transfer for Social Innovations**. Paper Presented at the 2016 Portland International Conference on Management of Engineering and Technology (PICMET).
- Chen, J. (2014). "**Measuring Social Innovation ES+ Methodology**". European Barcamp.
- Cipolla, C.M. d. O.S. Bibiana & R. Afonso (2017). "**Design for Social Innovation between University and the Broader Society: A Mutual Learning Process**". *Mix Sustentável*, 3(4): 109-118.
- Dainienė R. & L. Dagilienė (2016). **Measurement of Social Innovation at Organisation's Level: Theoretical Issues**. *Economics and Business*.
- Dainienė, R. & L. Dagilienė (2015). "**A TBL Approach Based Theoretical Framework for Measuring Social Innovations**". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 213: 275-280. At: doi:<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.537>.
- Danijel, B. & B. Gojko (2015). "**(Social) Innovation Impact - Review of Research**". *Simpact*.
- Ecker, B. (2015). "**I3U Project Meeting & Technical Workshop**". Retrieved from Economist. (2013). *Old problems, New Solutions: Measuring the Capacity for Social Innovation across the World*. In: London: Economist Intelligence Unit.
- Florman, M.; R. Klingler-Vidra & M.J. Facada (2016). **A Critical Evaluation of Social Impact Assessment Methodologies and a Call to Measure Economic and Social Impact Holistically through the External Rate of Return Platform**.
- Francesca, B. (2012). "**Growing a Digital Social Innovation Ecosystem for Europe DSI Final Report**". Retrieved from.
- Frazão, N.; I.L. Carvalho & F. Carlos (2015). **Social Innovation in Cidadania Ativa Programme Projects**. Lisboa: Calouste Gulbenkian Foundation.
- Fritsch, M. & V. Slavtchev (2007). "**Universities and Innovation in Space**". *Industry and Innovation*, 14(2): 201-218.
- Goldenberg, M.; W. Kamoji, L. Orton & M. Williamson (2009). **Social Innovation in Canada: An update**: Citeseer.
- Grimaldi, R.; M. Kenney, D.S. Siegel & M. Wright (2011). "**30 Years after Bayh-Dole: Reassessing Academic Entrepreneurship**". *Research Policy*, 40(8): 1045-1057.
- Grzeszczyk, T.A. & D. Klimek (2018). "**The Model of Social Innovation Project Evaluation**". Paper presented at the Asia-Pacific Social Science and Modern Education Conference (SSME 2018).
- Hubert, A. (2010). "**Empowering People, Driving Change: Social Innovation in the European Union**". Bureau of European Policy Advisors (BEPA). Available Online: http://ec.europa.eu/bepa/pdf/publications_pdf/social_innovation.pdf.
- Jensen, L.A. & M.N. Allen (1996). "**Meta-Synthesis of Qualitative Findings**". *Qualitative Health Research*, 6(4): 553-560.
- Krlev, G.; E. Bund & G. Mildemberger (2014). "**Measuring what Matters Indicators of Social Innovativeness on the National Level**". *Information Systems Management*, 31(3): 200-224.
- Lin, C.Y. & Jeffrey Y. Chen (2016). **The Impact of Societal and Social Innovation**. Ebook.
- Majumdar, S.; Samapti Guha & Nadiya Marakkath (2015). **Technology and Innovation for Social Change**.

- Martinez-Conesa, I.S.; Palacios A. Pedro & Mercedes Manzano (2017). **Corporate Social Responsibility and its Effect on Innovation and Firm Performance: An Empirical Research in SMEs**". Journal of Cleaner Production, 142: 2374-2383.
- Matsushita, O.; A. Tsuda, M. Sakamoto, K. Fujii & S. Ota (2015). **"Effects of Design Thinking on Transnational Collaborative Projects in Engineering"**. Paper Presented at the 2015 IEEE 7th International Conference on Engineering Education (ICEED).
- McKelvey, M. & O. Zaring (2018). **"Co-Delivery of Social Innovations: Exploring the University's Role in Academic Engagement with Society"**. Industry and Innovation, 25(6): 594-611.
- Michel, S. (2015). **"Performance Monitoring Report of the European Union Programme on Employment and Social Innovation (EaSI)"**.
- Milley, P. & B. Szijarto (2018). **"The Evaluation of Social Innovation: A Review and Integration of the Current Empirical Knowledge base"**. Evaluation, 24(2): 237-258.
- Milley, P.S.; B. Svensson, K. Cousins, J.B. (2018). **"The Evaluation of Social Innovation: A Review and Integration of the Current Empirical Knowledge Base"**. Evaluation, 24(2), 237-258. At: doi: 10.1177/1356389018763242
- Mobini Dehkordi, A. & M. Keshtkar Haranki (2016). **"A Meta-Synthesis of Social Innovation Models"**. Social Development and Welfare Planning, 7(26): 101-138.
- Mobini Dehkordi, A. & M. Keshtkar Haranki (2017). **Social Innovation: Concepts, Definitions, Models. Tehran: University Tehran Press.**
- Mulgan, G. (2010). **"Measuring Social Value"**. Stanford Soc Innov. Rev., 8(3): 38-43.
- Mulgan, G.; S. Tucker, R. Ali & B. Sanders (2007). **Social Innovation: What it is, why it Matters and how it Can be Accelerated.**
- Murray, R. & J. Caulier-Grice (2010). **The Open Book of Social Innovation: National Endowment for Science. Technology and the Art London.**
- Neary Dave, B.U. & Jagger Carol (2015). **"Innovage Social Innovations Promoting Active and Healthy Ageing"**. Young Foundation.
- OECD (2010). **OECD Studies on SMEs and Entrepreneurship: SMEs, Entrepreneurship and Innovation. Paris.**
- Oeij, P. & K.O. Kraan (2010). **Impact of Social Innovation on Organisational Performance and Sickness Absence.**
- Omonov, Z.K. & A.Y. Veretennikova (2016). **"Quantitative Scaling of Social Innovations 1"**. Montenegrin Journal of Economics, 12(4): 77.
- Paleari, S.; D. Donina & M. Meoli (2015). **"The Role of the University in Twenty-First Century European Society"**. The Journal of Technology Transfer, 40(3): 369-379.
- Phills, J.A. (2008). **"Rediscovering Social Innovation"**. Stanford Social Innovation Review, 6(4): 34-43.
- Pol, E. & S. Ville (2009). **"Social Innovation: Buzz Word or Enduring Term?"** The Journal of Socio-Economics, 38(6): 878-885.
- Preskill, H. & T. Beer (2012). **Evaluating Social Innovation. In: Washington DC: Center for Evaluation Innovation.**
- Reeder, N.; C. O'Sullivan, S. Tucker, P. Ramsden & G. Mulgan (2012). **"Strengthening Social Innovation in Europe: Journey to Effective Assessment and Metrics"**. Enterprise and Industry, European Commission.

- REF, R.E.F (2014). **Assessment Framework and Guidance on Submissions**. Higher Education Funding Council for England.
- Rehfeld, D. & J. Terstriep (2017). "A Theoretical Framework for the Economic Underpinnings of Social Innovation". Retrieved from.
- Rivers, B. Alden; A. Armellini, R. Maxwell, S. Allen & C. Durkin (2015). "Social Innovation Education: Towards a Framework for Learning Design". Higher Education, Skills and Work-Based Learning, 5(4): 383-400.
- Sadabdi, A.A; A.A. Poorezat, M.A. Ghanei Rad, N. Mokhtarzadeh & M. Elyasi (2016). "The Life Cycle of Social Innovations". Journal of Technology Development Management, 4(3): 69-95.
- Schmitz, B.; T.E.S.I. Research, G. Krlev, G. Mildenerger, E. Bund & D. Hubrich (2013). **Paving the Way to Measurement: A Blueprint for Social Innovation Metrics**. A Short Guide to the Research for Policy Makers: TEPSIE.
- Science Communication Unit, U.o.t. W.o. E.B. (2014). "Science for Environment Policy In-depth Report: Social Innovation and the Environment". In: University of the West of England Bristol.
- Shahin, A. & M.A. Shafiei (2016). "Open Innovation at the University; Concepts, Challenges and Enablers". Second International Conference on Entrepreneurship, Creativity and Innovation. Iran: Shiraz.
- Smith, H.L. (2007). "Universities, Innovation, and Territorial Development: a Review of the Evidence". Environment and Planning C: Government and Policy, 25(1): 98-114.
- Tong, A.; P. Sainsbury & J. Craig (2007). "Consolidated Criteria for Reporting Qualitative Research (COREQ): A 32-Item Checklist for Interviews and Focus Groups". International Journal for Quality in Health Care, 19(6): 349-357.
- Unceta, A.; J. Castro-Spila & J. García Fronti (2016). "Social Innovation Indicators". Innovation: The European Journal of Social Science Research, 29(2): 192-204.
- Van Rensburg, N.J.; J. Meyer & H. Nel (2016). "Social Innovation, Research and Community Engagement: Managing Interdisciplinary Projects for Societal Change". Paper Presented at the 2016 IEEE International Conference on Industrial Engineering and Engineering Management (IEEM).
- Vasin, S.M.; L.A. Gamidullaeva & T.K. Rostovskaya (2017). "The Challenge of Social Innovation: Approaches and Key Mechanisms of Development". European Research Studies, 20(2): 25.
- Villate Txema, U.A. (2013). "A Regional Index to Measure Social Innovation". Retrieved from.
- Yildirim, N. & H. Ansal (2017). **First Domino Tile in the Social Innovation Process: Idea Creation of University Students**.
- Cipolla, C. M. d. O. S., Bibiana, & Afonso, R. (2017). **Design for social innovation between university and the broader society: a mutual learning process**. *Mix Sustentável*, 3(4), 109-118.
- Dehkordi, A. M., & Haranki, M. K. (2015). **Social Innovation: An Exploration of Conceptualization Based on Content Analysis of Definitions**. *Innovation Management Journal*, 4(2), 115-134.

- Lee, H., Ghobadian, A., O'Regan, N., & James, P. (2015). **Social innovation and social entrepreneurship: A systematic review**. *Group & Organization Management*, 40(3), 428-461.
- Reeder, N., O'Sullivan, C., Tucker, S., Ramsden, P., & Mulgan, G. (2012). **Strengthening social innovation in Europe: journey to effective assessment and metrics**: Enterprise and Industry, European Commission.
- Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). **Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings**. *Research in nursing & health*, 30(1), 99-111.
- Schmitz, B., Research, T. E. S. I., Krlev, G., Mildenberger, G., Bund, E., & Hubrich, D. (2013). **Paving the Way to Measurement: A Blueprint for Social Innovation Metrics; a Short Guide to the Research for Policy Makers**: TEPSIE.
- van Beers, C. (2015). **Overview of Existing Innovation Indicators-CrESSI Working Papers**.
- Barzegar, nader and others (2020). **"Pathology of Innovation Capabilities creation in Iranian University Management (Case: Islamic Azad University) "**. *Journal of new approaches in educational administration*: N:10(37): 291-310.
- Mobini dehkordi , ali and keshtkar haranaki, mehran (2016). **"Meta-Synthetizing of social innovations models "**. *Social development and welfare planning*: N: 7(26): 101-138
- Mobini dehkordi , ali and keshtkar haranaki, mehran (2017). **"Social innovations (concepts, definitions and models) "**. Tehran: Tehran University
- Sadabadi , aliasghar and others (2016). **"Life circle of social innovations "**. *Technology development Management*: N: 4(3): 95-69
- Shahin , arash ; shafiee , Mohammad ail (2016). **"Open innovation in universities; definitions, challenges and Empowerments "**. *Second international conference on Entrepreneurship, creation and innovation*; Shiraz

